

## جنبش جاری، طبقاتی – اجتماعی و انقلابی است

جنبش انقلابی برای سرنگونی تبه‌کارترین حکومت طبقاتی در ایران، همانند رودخانه‌ای پرخروش در فلات زندگی با قهرمانی و شجاعت و مقاومتی تاریخی، شبانه روز با شکوه و امید، جاری و از مبارزه بازنایستاده است. این جنبش در برآمد ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، نام ژینا(مهسا) را به‌سان رمز خود برگزید تا سمبل پیکار و پیشتازی زنان برای از هم گسستن زنجیر بردگی تاریخی‌اشان باشد. اینک، چشمان جهانیان، به سوی جنبش در انتظار ساعت انقلاب خیره مانده‌اند. سرچشمه‌ی این رود، از فرات و دجله که زندگی بخش حیات انسان در «میان رودان» بوده و هستند و از نیل و آمازون و گنگ، پرخروش‌تر و فراگیرتر است، که نه تنها فلات ایران، بلکه پیوند و پویایی فرامنطقه‌ای به‌خود گرفته است.

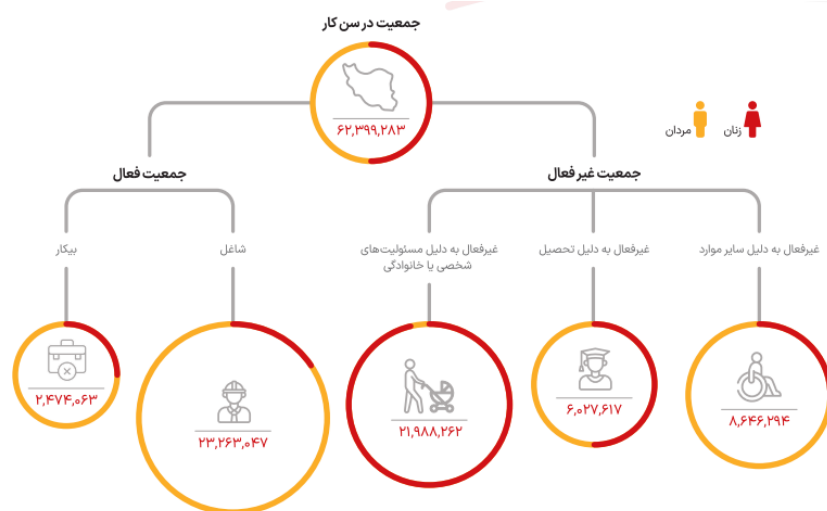
رویکرد اعتراض‌های اجتماعی، از دی ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸، تابستان ۱۴۰۰ و از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ تا کنون که سالروز خود را در میدان مبارزه‌ای تاریخی برگزار می‌کند. این تداوم یک جنبش اجتماعی و مبارزه‌ای بوده‌است که بستر طبقاتی دارد. کارگران و تهی‌دستان شهر و روستا و لایه‌های میانه و پایینی خرده‌بورژوازی رانده شده به حاشیه‌ی زندگی و به گرداب نداری، بیکاری و بی‌خانمانی فرودستان نیروهای اصلی برآمده‌ای فراگیر از ۹۶ تا کنون بوده‌اند. جنبش جاری اما، برخلاف مدعیان و شیفتگان «جامعه مدنی» با ژرفا، تکامل، بافت و رادیکالیسم، چهره‌ی یک جنبش انقلابی و طبقاتی را به نمایش می‌گذارد. فقر مطلق یعنی، نگرانی برای نان شب و زنده ماندن تا فردا، شورش گرسنگان را از همان سال ۹۶ در زهدان داشت و اینگ همانند آتشفشانی در هم فشرده، هرآینه در حال انفجار است. سیستان و بلوچستان با حضور زنان، جوانان و شعارهای رادیکال و همبستگی با سراسر ایران، به راستی که خطاب به کارگران و فرودستان و نیروهای انقلابی در کردستان، چشم و چراغ ایران شده‌اند.

تورم لگام گسیخته و دستمزد ۷ میلیون تومانی کارگران شاغل، تصویب حکومت اسلامی که نزدیک به ۵ برابر زیر خط فقر را برای کارگران شاغل رقم می‌زند، نیروی‌مادی جنبشی را پرتوان ساخته‌است که جز به سرنگونی و خودرهایی به گزینه‌ی دیگری نمی‌اندیشد.

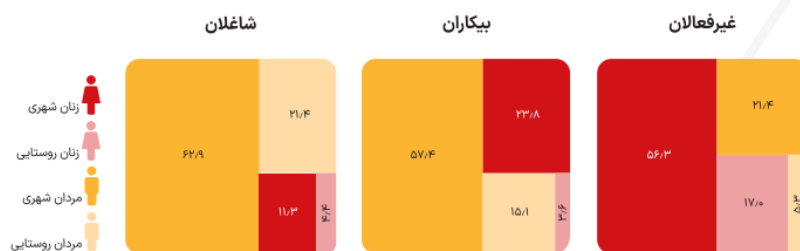
شرایط زندگی، زیست و استثمار مرگ‌آور طبقه کارگر افزون بر ۶۰ میلیونی با خانواده و فرودستان و زحمتکشان، نیروی جنبشی و پویانده‌گی، کوبندگی، ژرفا و تنگناهای مرگ‌آور تحمیلی از سوی حکومت فاسدسالاران را به نمایش می‌گذارد. به آمار حکومتی، سال ۱۳۹۹، نرخ بیکاری زنان را افزون بر ۵۰ درصد، بیکاری زنان که پیش از بیکاری بین ۲۵ تا ۳۰ سال سابقه کاری داشته‌اند، نسبت به سال ۱۳۹۸ با بیش از ۱۴۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. بدون شک در دو سال گذشته این روند مرگ‌آور شدت بیشتری گرفته‌است. آمار دولتی، میانگین نرخ بیکاری زنان را ۷۰ درصد بیشتر از نرخ بیکاری مردان نشان می‌دهد. بنا به این آمار که تنها باید به صورت نسبی به آن نگریست، از جمعیت نزدیک به ۸۳ میلیونی کل ایران در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۶۳ میلیون تن، در سن کار (از ۱۵ سال به بالا) قرار داشته‌اند. از جمعیت بیش از ۳۱ میلیونی زنان در سن کار، در سال ۱۳۹۹ بیش از ۸۱ درصد نیروی غیرفعال گزارش داده شده که پس از دو سال بحران و رکود تورمی، و کاهش ارزش پول ایران، بیش از ۱۰۰ درصدی و ورشکستگی و تعطیلی مراکز کار و تولید، بسیار فراتر رفته است. بر مبنای همین آمارهای دولتی، دو سال پیش، از هر سه شاغلی که به لشکر بیکاران رانده شدند، دو تن زنان بودند، در میان افراد شاغل ۶۳ درصد از مردان در سن کار، تنها ۱۲ درصد زنان گزارش داده شده است و از هر ۱۰۰ شاغل در ایران، ۸۴ نفر مردان بوده‌اند.

لازم به توضیح است که بنا به مصوبه‌های حکومت باندها، جمعیت فعال به معنای داشتن شغل نیست، تنها افراد ۱۵ سال به بالایی که تمایل به کار و توانایی کار کردن دارند را در بر می‌گیرد. قوانین و مرکز آمار حکومت اسلامی، جمعیت غیر فعال را کسانی معرفی کرده اند که توانایی و تمایل به کار کردن ندارند و جمعیت شاغل را کسانی که در هفته تنها یکساعت کرده باشند، شاغل به شمار می‌آورند. بنا به همین آمار نسبی، جمعیت در سن کار نزدیک به ۶۳ میلیون و شاغلین را نزدیک به ۲۳ میلیون گزارش شده. این آمار شعبده بازان بازار فساد و چپاول، بیکاران را نزدیک به ۲/۵ (دومیلیون و نیم) گزارش داده که تنها کافی است به لشکر بیکاران در سراسر ایران و به ویژه در استانهای محروم از زندگی نشانیده شده بنگریم!

در این میان بیش از ۴۰ میلیون تن از جمعیت سن کار را غیرفعال گزارش داده‌اند، که در این میان افزون بر ۶ میلیون به دلیل تحصیل و ۲۲ میلیون به دلیل مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی و نزدیک به ۹ میلیون به دلیل سایر موارد گزارش داده‌اند. با این همه، آنچه از این آمار تقلب و حوزوی و سرشار از تناقض و دروغ، می‌توان دریافت، به صورت زیر آمده است (۱):



### جمعیت شاغل، بیکار و غیرفعال به تفکیک جنسیت و محل سکونت



○ ۶۳ درصد از شاغلان و ۵۷ درصد از بیکاران را مردان شهری تشکیل داده‌اند.

○ بیش از نیمی از افراد غیرفعال، زنان شهری بوده‌اند.

حکومت اسلامی با فروپاشی شدید و مهار ناپذیر بنیادهای اقتصادی و مالی و اداری و تمامی دستگاههای بورکراتیک و نظامی، امنیتی، دینی و... غرق در تمامی فسادهای باندهای حکومتی خویش، دیگر بنیادهای فساد سیستماتیک خویش روبرو است.

در چنین شرایطی با هزینه‌های سنگین پرداخت شرایط جنگی و سرکوب به نیروهای سرکوبگر و مزدور، پرداخت هزینه‌های جنگی و دخالتگری در دیگر کشورها، پرداخت به تبهکاران «واگنری» و نیابتی در سوریه و عراق و ایران و به مشاورت راسپوتین کرملین (آلسکاندر دوگین-طراح اورآسیا، آخرزمانی، طراح راهپیمایی اربعین به سوی عراق، به کارگیری نیروی قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی در سوریه و عراق و لبنان و یمن و... بسیج مزدوران پاکستانی، عراقی، افغانستانی، حزب‌الله، بسیج و... جنگ‌های نیابتی و فروافتادن به مرداب خونین جنگ ناتو- بلوک روسیه و او در مرداب خود آفریده گرفتار آمده است.

حکومت اسلامی، در چنین شرایط با نیروی نزدیک به ۷۵ میلیونی حکومت شوندگان به پاخاسته با یک جنبش انقلابی روبرو است. این خیزش با تمامی نشانه‌های خود، یک خیزش اجتماعی و طبقاتی است. اینک، نگاه‌ها به سوی ایران است، رسانه‌های سرمایه‌داری جهانی، همانند حکومت‌هایشان نگران و در هراس افتاده‌اند. اسلام سیاسی در پروژه قدرت یابی در ایران در سال ۱۳۵۷ برای سرمایه جهانی، سرشار از سود مافوق بوده است. برپایی جنگ و بحران و ایجاد زمینه‌ها برای حضور نظامی به ویژه در خاورمیانه و جنگ بلوک‌های غرب به رهبری آمریکا و ناتو و شرق به رهبری روسیه پوتین و چین...

**حکومت باندهای حاکم با شورش گرسنه‌گان، برای نان و آب و سرپناه و زندگی، و شورش بیکاران**  
در میان موج مبارزات مردم، در همایش و درگیری به به بن بست رسیده است.

### زمینه‌ها و راستای جنبش

- جنبش جاری، طبقاتی - اجتماعی و انقلابی است

- ریشه در جنبش مشروطه در سال ۱۲۸۵، سالهای ۱۳۲۰ تا ۳۲، سالهای ۴۹ تا نیمه نخست ۱۳۵۰، و بهمن ۵۷ و تمامی این ۴۴ سال دارد.

### ماهیت طبقاتی

نیمه دوم سال ۱۳۸۰ سازمانیابی ارگانهای توده‌ای کارگری - و سندیکایی، مجامع عمومی ووو، در هفت تپه، جنبش کارگری شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی! را به بیانیه‌ی انقلابی و تبلیغات جنبش آراست و در سال ۹۶ رویکرد شورآگرایی بخود گرفت. این یک نقطه چرخش در جنبش کارگری در ایران در درازای تاریخ جنبش کارگری بود. کارگران فولاد اهواز، پیشتر با چنین رویکردی به اعتصاب پرداخته بودند.

- جنبش جاری، از بستر شکاف طبقاتی و مبارزه طبقاتی ریشه گرفته است.
- زمینه ساز جنبش، تضاد طبقاتی است.
- نیروهای متضاد، از یک سو، حکومت کنندگان، درسوی دیگر، حکومت شوندگان با وزن کارگری، فرودستی و گرسنگان و محرومان و دادخواهان قرار گرفته‌اند.
- حکومت شوندگان، بیش از ۴۰ میلیون کارگر با خانواده، ده میلیون کارگر صنعتی با ۲۴ میلیون حاشیه نشین،
- بیش از ۵۰ میلیون جوان زیر ۳۰ سال و بیشتر بیکار.
- زنان به‌سان نیمی از افراد جامعه که در تاریخ نزدیک به ۲۵ هزار سال پیش، بی هویت و به بردگی کشانیده شده‌اند، بیش از همه سرکوب و محروم، اینک در حال پیشتازی و خودیابی هستند.
- میلیونها دستفروش و کودک کار.
- بازنشسته‌گان، مال باختگان و میلیون‌ها تهی دست شهر و روستا.
- بنابراین، رادیکالیسم این جنبش در مناسبات طبقاتی و سیاسی آن ریشه دارد.
- جنبش، تمامی نظام را نشانه گرفت و مرگ بر کلیت نظام را در سراسر ایران بر پرچم خود نوشت.

- تاریخ، جنبشی این‌چنین فراگیر که در سراسر ایران و شهرها و روستاها را در این یکسال به جنبش و امید، فرا خواند، به یاد ندارد،
- ترس و هراس توده‌ها شکسته شده و اتوریت‌های نظامی و دینی حکومت در برابر اراده‌ی توده‌ها فروشکسته است.
- این جنبش، کمبودهایی دارد که در روند تجربی خود هر لحظه، به روند اعتلای و به اعتلاء انقلابی رویکرد دارد،
- باید هشیارانه تا شرایط انقلابی از هر اقدام شتابزده و نا به هنگام خود داری شود.
- پیروزی جنبش، در گرو تداوم، و حضور در خیابان‌ها، و حفظ سنگرها می‌باشد.

### جنبه‌ی اجتماعی

- جنبه‌های اجتماعی- طبقاتی که در بیان‌نامه‌ی زن، زندگی، آزادی! در جهان طنین افکن شد، نه یک شعار، بلکه یک منشور انقلابی است.
- محور مبارزه‌ی جوانان و کل جامعه با حکومت شونندگان، کار و آزادی و زندگی است.

### دستاوردها

- جنبش ۲۵ شهریور، اعلام یک روند انقلابی است،
- این جنبش با این استخوان‌بندی و ساختار، خواهان دگرگونی است، بنابراین ماهیتی طبقاتی، انقلابی و دگرگون‌خواه دارد،
- از همان آغاز از رفرم‌خواهی و اصلاح طلبان و هر رنگ و ریب مذهبی، عبور کرد. با مذهب در افتاد،
- با تقدس دینی و دین خوئی و توهم‌های دینی و تابوهای اسلام در افتاد و همه را بر خاک افکند،
- شادمانی و رقص و رزم را در هم آمیخت،
- به سوی زندگی جهت گرفت،

- پیدایش اعتماد به نفس و خودیابی گرفت،
- اراده و تجربه‌ی رزم و تسخیر خیابان‌ها و سنگر بندی را تجربه کرد،
- به عقب راندن حکومت و بی بازگشت ساختن رژیم به دوران اعمال قدرت و سلطه‌ی پیش از جنبش زن، زندگی، آزادی! یکی از دستاوردهای جنبش انقلابی جاری است،
- گیسوبری، سوگ حماسی و اعتراض و سوزاندن روسری و پرتاب عمامه به خاک را با تمامی خشم، به جنبش انقلابی پیوند داد،
- و اعلام کرد که **گشت ارشاد بهانه است، کل نظام نشانه است.**
- اتحاد سراسری بین انتیستیه‌های ساکن ایران، در برابر نفرت افکنی تاریخی حکومت‌ها ایستاد
- جلب پشتیبانی‌های بین‌المللی، به ویژه زنان جهان، برانگیختن شور و امید در میان خلق‌های منطقه، زنان و فرودستان را آفرید، و نقشه‌ی نفرت پراکنی حکومت اسلامی و سلطنت طلبان را خنثی کرد،
- مهر تاریخی پیشتازی و حضور انقلابی زنان را بر منشور جنبش انقلابی کوبید،
- سازمانیابی مبتکرانه شورا گرایی در میان بخش‌هایی از کارگران، سازمان‌دهی کمیته‌های مبارزاتی در محلات، زنان، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان را به پیش برد،
- نازی‌آبادها به روند انقلابی پیوستند و پدیده اکباتان‌ها ووو در تهران و صدراها و مالی آبادها در شیراز و ایزه و اصفهان و زاهدان و ایران‌شهر و مازندران و گیلان و آذربایجان و ایلام و کرمانشاهان و بوشهر و افزون بر ۱۶۰ شهر، صدها روستا، دانشگاه و مدارس سراسر ایران آفریدند،
- نیروهای راست و سلطنت طلب و مجاهدین درماندگی و ماهیت ضد مردمی خود را نشان دادند و این دستاوردی ضروری بوده است.
- حمله‌ی شیمیایی به مدارس دختران و در برخی موارد پسران، خوابگاه‌های دانشجویان دختر
- بیوتروریسم و جنگ میکروبی با باکتری شیگلا و غیره در سراسر ایران، از ۹ آذرماه ۱۳۴۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ نه تنها برای حکومت اسلامی آخرین تلاش مذبح‌حانه بود، بلکه درماندگی حکومت اسلامی را برملا کرد.

## ضعف ها و کمبودها

کمبود رهبری انقلابی و طبقاتی سازمانیافته کارگری،

کمبود رهبری سازمانیافته زنان،

فاکتورهای تاریخی، سرکوب و کشتار و ممنوعیت‌های از سال ۵۷ اسیرکشان، کشتن کمونیستها،

آزادخواهان و پیشتازان جنبش کارگری، در این نارسایی نباید فراموش کرد،

سکتاریسم مزمن و زخمهای کهنه‌ی درون نیروهای چپ و به ویژه منفردین در اصرار به سازمان

گریزی، گریز از اتحاد، همبستگی، همراهی،

کم توجهی به تلاش‌های بورژوازی اپوزیسیون که پیروزی خود را در براندازی و نه سرنگونی و در

پارلمان‌های کشورهای امپریالیستی، اتحادیه اروپا و ... می‌بینند و به مداخله کشورهای سرمایه‌داری

امید بسته اند و مشروطه را مثال می‌آورند.

در این مورد امید مردم را می‌ربایند و منحرف می‌کنند که به سوی مداخله و پشتیبانی غرب را تبلیغ

می‌کنند. این میدان را نباید به دشمنان انقلاب کارگری واگذار کرد.

نقش رفرمیسم زیر پوشش تبلیغ اتحادیه‌ها و سندیکالیسم زرد و صنفی‌گرایی که پدیده‌ای جهانی است و

در خارج از ایران به درون تزریق می‌شوند، در برابر شور‌آگرایی، مجمع‌نمایندگان و مجامع

عمومی، یکی از مهمترین عرصه‌ی مبارزه طبقاتی به شمار می‌آید.

## سازمانیابی سراسری و منطقه‌ای

- نمونه کردستان با ویژگی حزب‌گرایی و تجربه‌ها و آزمون‌های سازمانیابی،

سازماندهی همکاری نیروهای چپ و کمونیست در یک بلوک انقلابی- کارگری که نزدیک به یکسال

پیش سازمان یافته و به پیش می‌رود، یکی از آزمون‌های تلاش‌های تعیین‌کننده است.

- تلاش برای تنش زدایی بین احزاب مختلف و همکاری‌های موردی و اصولی، امنیتی و مانند اینها

عرصه‌ای است که باید به آن پرداخت.



- تلاش برای ایجاد همبستگی و پیوند مبارزاتی با نیروهای چپ و رادیکال و کارگری و پیشرو دیگر مناطق از جمله سیستان و بلوچستان، آذربایجان، عرب و ترکمن صحرا و...
- تلاش برای پیوندهای انترناسیونالیستی کارگری،
- حضور گرایش‌های سوسیالیستی در پراتیک مبارزاتی کارگران تولیدی نمونه فرهنگیان و کارگران و کارکنان خدماتی در بخش درمان و بهداشت و ترانسپورت و...
- دفاع از دادخواهان، مطالبات بازنشسته‌گان و کولبران و ... و جنبش خیابان و دانشگاه و مدارس ...
- که در **سطح کلان و سراسری، از توان و عهده‌ی یک حزب و سازمان سیاسی** خارج است، یک بلوک چپ و کمونیست با اشتراکات اصولی و تدوین شده و مشخص، در پراتیک و عمل و تئوری،

### چشم انداز و وظایف

- وظایف نیروهای انقلابی، همان است که همیشه بوده است
- آگاهی بخشی، همراه با تبلیغ و ترویج و شرکت بی دریغ در سازمانیابی جنبش‌های کارگری و اجتماعی و در سوخت و ساز مبارزاتی،
- جنبش جاری، با ابتکارهای نو، زنده و پویا، به پیش می‌رود و واپس نمی‌نشیند.
- درماندگی و بحران‌ها و بن بست رژیم شدت یافته و عمق می‌یابند،
- خواست سرنگونی انقلابی و طبقاتی باید به هدف جنبش تبدیل شود،
- تبلیغ اداره شواری با رهبری کارگران پیشتاز برای تبدیل آن به ذهنیت و فرهنگ جنبش،
- با ایجاد کانون‌های همبستگی، سازمانیابی کمیته‌های همیاری، صندوق اعتصابات، کمک‌های پزشکی، درمانی و انتقال مجروحین به درمانگاه‌های امن، کمیته‌های محلات و پیوندها و رسانه‌ای کردن فوری و کارآی رخدادها و اخبار جنبش و غیره،
- چنین تجربه‌هایی در جامعه وجود دارند و باید به تقویت آنان پرداخت
- حضور مادی و زنده در جنبش، دوشادوش خیزشگران، کارگران و زنان و تمامی به پاخاستگان و معترضین جامعه، اعتماد و اعتبار هر مبارزی را در پی خواهد داشت.

- اداره‌ی شورایی با گزینش مورد اعتمادترین و رزمنده‌ترین و وفادارترین انسان‌های مبارز و مبتکر ساختار می‌یابد.

عباس منصوران

هفته اول شهریور ۱۴۰۱

منبع

---

- گزارش جامع بازار کار ایران در سال ۱۳۹۹ به گزارش سایت دیوار

<https://divar.ir/daal/wp-content/uploads/2022/03/Labor-Market-Report->

(Divar.pdf)